

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کردهای فیلی شیعه عراق

مراد مرادی مقدم^{۱*}

حمید بصیرت منش^۲

چکیده

هدف: پیروزی انقلاب اسلامی و بازتاب آن در کشور عراق، تحولات عمده‌ای در این کشور به وجود آورد. هدف این پژوهش این است که با کاربست نظریه پخش یا اشاعه، به این سؤال پاسخ داده شود که انقلاب اسلامی ایران چه تأثیری بر کردهای فیلی شیعه عراق داشته و واکنش رژیم بعث به این تأثیرپذیری چگونه بوده است. **روش‌شناسی پژوهش:** این مقاله با روش کتابخانه‌ای و اسنادی و شیوه توصیفی - تحلیلی به بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر کردهای فیلی عراق می‌پردازد.

یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش مؤید این مطلب است که کردهای فیلی، اقلیتی قومی و مذهبی در عراق می‌باشند و با ساکنان استان‌های ایلام و کرمانشاه هم تبار هستند. آنها به دلیل پیوندهای نژادی، مذهبی، زبانی و همجواری جغرافیایی در زمره‌ی گروه‌هایی بودند که از سه طریق پخش جابجایی، سرایتی و سلسله مراتبی، تحت تأثیر امواج انقلاب اسلامی قرار گرفتند و به مبارزه‌ای سخت با رژیم بعث پرداختند.

نتیجه‌گیری: نتیجه این پژوهش حاکی از آن است که انقلاب اسلامی بر حیات سیاسی و اجتماعی کردهای فیلی تأثیرگذار بوده است و مؤلفه‌هایی نظیر پذیرش افکار و عقاید انقلاب اسلامی، خودآگاهی مذهبی و تشکیل جنبش‌های اسلامی کرد فیلی، از ابعاد این تأثیرگذاری می‌باشند. اما از سوی دیگر، عملکرد موانع پخش که شامل طیف وسیعی از سیاست‌های منفی حکومت عراق در برخورد با کردهای فیلی می‌شد، خشونت‌های بی‌سابقه‌ای نظیر سلب تابعیت، اخراج گسترده، مصادره اموال و کشتار دسته جمعی کردهای فیلی را به دنبال داشت و آثار و پیامدهای آن بر وضعیت این اقلیت قومی تاکنون ادامه دارد.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، نظریه پخش، کردهای فیلی، عراق، ایران.

Email: Morad1356moradi@yahoo.com

۱- دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده
امام خمینی، تهران (نویسنده مسئول)

Email: basirat1341@yahoo.com

۲- استادیار گروه تاریخ، پژوهشکده امام خمینی، تهران

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۰۶

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۸/۱۲

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران، به واسطه ماهیت فراملی و اسلامی از یک سو و موقعیت ژئوپلیتیک ایران و منطقه‌ی خلیج فارس از سوی دیگر، محیط پیرامونی و فرامنطقه‌ای خود را تحت تأثیر قرار داد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۷). هر چند انقلاب اسلامی ایران یک الگوی عملی را به جنبش‌های اسلامی عرضه کرد، اما این انقلاب بیشترین تأثیر را در جمعیت‌های شیعی منطقه داشته است (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۸: ۶۱).

به‌طوری‌که از یک طرف، سبب شد مذهب شیعه مورد توجه قرار گرفته و به جهانیان معرفی شود و از طرف دیگر، جوامع شیعی در کشورهای مختلف احساس خودباوری کرده تا در جهت رشد و ارتقای سیاسی گام بردارند (حافظانیا و احمدی، ۱۳۸۸: ۳۷). در این میان، کشور عراق به لحاظ ویژگی‌های خاصی نظیر: حاکمیت اقلیت سنی بر اکثریت شیعه و در حاشیه نگاه داشتن شیعیان و وجود کردهای فیلی ایرانی‌تبار که از قرابت‌های جغرافیایی، مذهبی، نژادی و زبانی با ایرانیان برخوردار بودند، در زمره نظام‌هایی بود که نخستین بازتاب‌های انقلاب اسلامی در آن بروز یافت. در این نوشتار بر آنیم با توجه به نظریه پخش، این مسئله را بررسی کنیم که انقلاب اسلامی ایران چه تأثیری بر کردهای شیعه عراق داشته و در صورت تأثیر، این تأثیرگذاری از چه مسیری صورت گرفته و ابعاد و موضوعات مهم این تأثیرگذاری چه بوده‌اند و در نهایت اقدامات حکومت عراق برای ایجاد موانع تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در عراق چه پیامدهایی برای کردهای فیلی در پی داشته است. فرضیه این پژوهش را می‌توان این گونه پیکربندی کرد: انقلاب اسلامی بر کردهای شیعه عراق تأثیر گذاشته و نظریه پخش قادر به تبیین چگونگی تأثیرپذیری کردهای شیعه عراق از انقلاب اسلامی است. تاکنون در خصوص بازتاب انقلاب اسلامی ایران در عراق و تأثیر آن بر قومیت‌های مختلف عراق، نظیر کردهای شمال عراق و اعراب شیعه، مقالات متعددی نوشته شده است. اما با وجود تأثیرپذیری کردهای فیلی از انقلاب اسلامی و تبعیض‌ها و خسارت‌های زیادی که متحمل شده‌اند، اشاره‌ی چندانی به آنها نشده است. از این رو این مقاله به بررسی چگونگی تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر کردهای فیلی عراق و نیز چرایی و چگونگی عملکرد رژیم بعث برای جلوگیری از اثرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر کردهای فیلی عراق می‌پردازد.

چارچوب نظری: نظریه پخش

نظریه «پخش» یا «اشاعه» یکی از نظریه‌های رایج در باب توضیح چگونگی انتشار نوآوری‌ها و گسترش ایده‌ها و اندیشه‌هاست که در حوزه‌های مطالعاتی متعدد، مورد نظر پژوهندگان است. اشاعه یا پخش عبارت است از فرایندی که بر طبق آن یک امر فرهنگی که مشخصه یک جامعه است، در جامعه دیگر به عاریه گرفته شده و مورد پذیرش قرار می‌گیرد (برزگر، ۱۳۸۲: ۴۲). این نظریه در واقع به تبیین و تشریح کیفیت و چگونگی گسترش یک پدیده یا نوآوری در طول زمان و در گستره‌ی یک فضای جغرافیایی می‌پردازد تا از این طریق، علل و دلایل پخش و گسترش یک رویداد یا پدیده را از منطقه‌ای به مناطق دیگر کشف کند (حسینی و برزگر، ۱۳۹۲: ۱۷۴). در مجموع، این نظریه گسترش هر نوع نوآوری فکری یا فیزیکی را تبیین

می‌کند. هاگر استرند سه نوع پخش جابجایی، سلسله مراتبی و سرایتی را ذکر می‌نماید و از شش اصل به‌عنوان اصول و مؤلفه‌های اساسی این نظریه نام می‌برد:

۱- حوزه و محیط اولیه پدیده؛

۲- زمان پخش؛

۳- موضوع یا پدیده پخش؛

۴- مبدأ پخش؛

۵- مقصد پخش؛

مسیر حرکت پدیده (خواجه سروی و رحمتی، ۱۳۹۱: ۳۱).

به‌طور کلی در تبیین و مطالعه بازتاب‌های هر نوآوری سیاسی بر اساس نظریه پخش، مبدأ و مقصد، بازه زمانی، ابزارها و کانال‌ها و در نهایت موضوع پخش، واکاوی می‌شود. همچنین موانع پخش و امواج رقیب از عوامل کاهش دهنده به‌شمار می‌رود که در بررسی بازتاب‌های پدیده و پخش آن باید در نظر گرفته شود (خانی‌آرانی و برزگر، ۱۳۹۰: ۱۲۸).

در پژوهش حاضر، پخش و گسترش انقلاب اسلامی ایران با استفاده از این نظریه در میان کردهای فیلی عراق مورد بررسی قرار می‌گیرد. از منظر مقاله حاضر، پخش و بازتاب انقلاب اسلامی ایران به سه صورت پخش جابجایی، پخش سلسله مراتبی و پخش سرایتی به وقوع می‌پیوندد و در این میان حکومت عراق با انجام اقداماتی، تداوم تأثیرپذیری کردهای فیلی از انقلاب اسلامی ایران را بسیار محدود کرد.

کرد فیلی

پس از دوره صفویه به‌واسطه حکمرانی والیان فیلی بر لرستان و ایلام، به ایلات و عشایر آن مناطق فیلی می‌گفتند که از نظر لهجه به سه دسته لر، لک و کرد تقسیم می‌شوند؛ لرها و لک‌ها در لرستان و کردهای فیلی در ایلام و مناطق شرقی عراق سکونت دارند. بخشی از کردهای فیلی ساکن در شرق عراق پس از تحدید حدود مرزهای ایران و عثمانی در دوره صفویه، در آن سوی مرزهای ایران قرار گرفتند و بخشی دیگر از تبار ایلات و عشایر استان ایلام و کرمانشاه می‌باشند که در دوره قاجار و پهلوی به عراق مهاجرت کرده‌اند (مرادی مقدم، ۱۳۸۵: ۷۱). اکثریت جمعیت کردهای فیلی در بغداد و استان‌های مرزی دیالی، واسط و میسان ساکن هستند.

«رساله آمار مالی و نظامی ایران» در سال ۱۱۲۸ ق، طایفه «فیلی» را «از ایرانیان قدیم» و به‌عنوان اولین «فرقه ایرانی الأصل که به هیچ طایفه دیگری مخلوط نشده‌اند» معرفی می‌کند و در این رساله در مورد جغرافیای زیست آنها آمده است که «از خرم‌آباد تا سه منزلی بغداد و از آن سمت تا حویزه، ایلات آنها در کوه و صحرا بیلاق و قشلاق [می‌کردند]» (مستوفی، ۱۳۵۳: ۴۰۶ و ۴۰۷).

در دوره قاجار و پهلوی، درصد قابل توجهی از اتباع ایرانی مقیم بین‌النهرین را «اکراد فیلی» که از ساکنان منطقه پشتکوه بودند، تشکیل می‌دادند (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۳۰)؛ همچنین حاج محمود باباخانیان و کیل

کردهای فیلی در سال ۱۳۴۴ معتقد بود که آنها هشتاد درصد اتباع ایرانی مقیم عراق را تشکیل می‌دادند (استادوخ: ۳۵-۲/۶-۲۴۰-۱۲۴۵). آمار دقیقی از تعداد کردهای فیلی ساکن عراق در دست نیست. برخی منابع، تعداد آنها را در حدود یک میلیون نفر ذکر کرده‌اند (جعفریان، ۱۳۸۶: ۲۶؛ الوردی، ۱۳۹۱: ۶۴۴). رسول جعفریان، کردهای فیلی را «شاخه‌هایی از عشایر کرد ایلام و کرمانشاه» معرفی می‌کند (جعفریان، ۱۳۸۶: ۲۷). عنوان کرد فیلی در ابتدا به مهاجرین پشتکوهی در عراق اطلاق می‌شد، ولی بتدریج همه کردهای شیعه عراق چه آنهایی که از ساکنان مناطق شرقی عراق و چه آنهایی که از ایلات شیعه کرمانشاه بودند به‌عنوان کرد فیلی شناخته شدند. به‌عبارتی، هم اینک در عراق همه کردهای شیعه را کرد فیلی می‌گویند، به‌گونه‌ای که عنوان فیلی و کرد شیعه در عراق، وحدت مفهومی یافته و این دو واژه به جای هم استعمال می‌شوند.

کردهای فیلی ساکن عراق از نظر تابعیت به دو دسته تقسیم می‌شدند؛ یا به تابعیت کشور عراق درآمدند یا همچنان بر تابعیت ایرانی خود مانده بودند (استادوخ: ۳۵-۲/۶-۲۴۰-۱۲۴۵). از این جهت، «علی طاهر الحمود» کردهای فیلی را به‌عنوان «یک اقلیت دو رگه» معرفی می‌کند و تأکید دارد: «عبارت کرد فیلی، عموماً برای کردهای فیلی شیعه به‌کار برده می‌شود که ایرانی الاصل هستند و همچنین به تبعیه نیز شناخته می‌شوند» (الحمود، ۱۳۹۷: ۱۷۴).

به‌طور کلی حزب بعث، کردهای فیلی شیعه را نه تنها ایرانی‌تبار، بلکه آنها را بخشی از قوم فارس می‌دانست، از این رو اولین قومی بودند که در عراق از سوی حزب بعث به حاشیه رانده شدند. در این راستا حسن العلوی از مسئولان مهم مطبوعاتی و فرهنگی رژیم بعث به صراحت می‌گوید که «کردهای شیعه ایرانی به حساب می‌آیند». همچنین سلیم طاها تکریتی استاد چاپ‌گرای عراق معتقد بود «فیلیه، اساساً از نژاد فارس هستند» (العلوی، ۱۳۹۰: ۹۴).

نگاه حزب بعث به کردهای فیلی کاملاً متأثر از نگاه ناسیونالیست‌های عرب به ایرانیان بود که آنها را مجوس، اجنبی، دشمن عرب و ماندن آنها را در عراق، خطری برای ناسیونالیسم عربی می‌دانستند. با این ذهنیت‌ها و پیش داورها، پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال آن جنگ ایران و عراق موجب شد که کردهای فیلی بیش از پیش متأثر از روابط ایران و عراق شوند.

صدور انقلاب

انقلاب اسلامی ایران همچون سایر انقلاب‌های بزرگ، خود را دارای رسالتی جهانی می‌داند و به همین دلیل است که «صدور انقلاب» را به‌عنوان یک استراتژی در دستور کار خود قرار می‌دهد (خرمشاد، ۱۳۹۰: ۳۴). این نظریه همزمان با دهه اول انقلاب اسلامی مطرح و عمومی شد و امام خمینی(ره) نیز در سخنرانی‌های متعدد خود به‌ویژه در اوایل انقلاب بر لزوم صدور انقلاب تأکید ویژه‌ای داشت و در همان حال روشن ساخت که منظور از صدور انقلاب، بیداری «ملت‌ها» و «دولت‌ها» است نه وسیله‌ای برای «کشور گشایی» (روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۱۰۳، ۱۴). از مهم‌ترین اهداف صدور انقلاب در اندیشه امام خمینی(ره)

می‌توان به پیاده کردن اهداف بین‌المللی اسلام، احیای هویت مسلمانان و وحدت آنها، معرفی چهره حقیقی اسلام، بیداری ملت‌ها، صدور تجربه‌های انقلاب، حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش، دفاع از مستضعفان و مبارزه با استکبار جهانی برشمرد. همچنین از دیدگاه امام، برای صدور انقلاب باید از ابزارهای رسمی و غیر رسمی چون نهادهای انقلابی، رسانه‌های جمعی، مراکز علمی، نخبگان و... بهره‌گیری شود (فرزندی لردگانی، ۱۳۹۲: ۱۹۹).

اندیشه‌ی صدور انقلاب یکی از مهم‌ترین اندیشه‌های تأثیرگذار بر سیاست خارجی و دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی ایران بود و در این میان کشور عراق که اکثریت قاطع جمعیتش شیعیان بودند، به دلیل همجواری و هم‌کیشی با ایران، بیشترین احساس خطر را از اندیشه صدور انقلاب داشتند؛ چرا که اندیشه صدور انقلاب، تهدیدی نسبت به ایدئولوژی غیر دینی - سکولار - حزب بعث تلقی می‌شد (انتصار، ۱۳۹۰: ۲۵۳).

پس از به قدرت رسیدن انقلابیون در ایران بی‌درنگ سناریو «تقابل» در روابط دو کشور ایران و عراق به راه افتاد و در این میان شدت گرفتن فعالیت‌های انقلابی شیعیان عراق و حادثه ترور نافر جام طارق عزیز، معاون نخست وزیر عراق در فروردین ۱۳۵۹، توسط سمیر نورعلی عضو سازمان عمل اسلامی که از کردهای فیلی به‌شمار می‌رفت باعث شد که تقابل بین دو کشور ایران و عراق تشدید و تسریع شود (روزنامه کیهان، شماره ۱۰۹۸۹: ۵) و رژیم بعث به‌صورت گسترده‌ای مبادرت به اخراج کردهای فیلی نماید (احمدی، ۱۳۸۲: ۳۱). حکومت عراق، سمیر نورعلی را ایرانی تبار (روزنامه اطلاعات، شماره، ۱۶۱۰۸: ۱۰) و وابسته به «حزب امام خمینی» معرفی کرد (روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۱۲۹: ۱۱) و بر همین مبنا ایران را به همدستی در این ترور متهم کرد. پس از حادثه ترور طارق عزیز، صدام در آشکارترین شکل ممکن، ایران را تهدید کرد. به‌طوری‌که وی سه بار سوگند یاد کرد که انتقام حمله تروریستی دانشگاه مستنصریه را از ایرانیان و عاملان آن بگیرد (روزنامه اطلاعات، ۱۶۱۰۹: ۱۲). برخی از تحلیل‌گران جنگ ایران و عراق، حادثه ترور طارق عزیز را به‌عنوان یکی از عوامل مهم زمینه‌ساز جنگ ایران و عراق به حساب آورده‌اند. همچنین دولت عراق با استناد به چنین حوادثی، در توضیح رسمی چرایی اقدام خود نسبت به آغاز جنگ با ایران در شهریور ۱۳۵۹، وقوع «خرابکاری و عملیات تروریستی» در عراق که به «ایرانی‌های مقیم عراق و یا افراد ایرانی الاصل دیگری» نسبت می‌داد را به‌عنوان دست‌آویزی برای حمله به ایران ذکر می‌کند (ویلی، ۱۳۷۳: ۱۲).

از آنجا که یک کرد فیلی ایرانی تبار به‌عنوان عامل ترور نافر جام طارق عزیز معرفی شد، این امر تبعات و پیامدهای خشونت باری برای کردهای فیلی به دنبال داشت. حکومت عراق این حادثه را زنگ خطری جدی از سوی کردهای فیلی تلقی کرد و به وا همه سران رژیم بعث از اشاعه انقلاب اسلامی ایران در میان مردم عراق دامن زد و بدینی آنها را نسبت به کردهای فیلی به‌عنوان ستون پنجم ایران تشدید کرد. از این رو، حکومت عراق «در واکنش به اقدام ایران برای ترویج انقلاب اسلامی، ابتدا شهروندان ایرانی تبار مقیم عراق را اخراج کرد» (داناوان، ۱۳۹۶: ۱۵۳). ایران در اقدامی متقابل، دولت عراق را متهم کرد که ۴۰ هزار ایرانی

را از خاک عراق اخراج کرده است. عراق نیز با اعزام نمایندگان به سازمان ملل اعلام کرد این اقدامات تنها پاسخی به فعالیت‌های تروریستی علیه شهروندانش بوده است (داناوان، ۱۳۹۶: ۱۵۳).

زمینه‌های تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر کردهای فیلی

زمینه‌های متعددی در تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر کردهای شیعه عراق نقش دارند، اما به نظر می‌رسد مهمترین زمینه‌ها عبارتند از:

الف: مذهب مشترک کردهای فیلی با شیعیان عراق و ایران باعث شده بود که آنها از تحولات مبتنی بر مذهب شیعه در ایران و عراق متأثر شوند.

ب: ایرانی تبار بودن کردهای فیلی و وجود تمایلات ایرانی در میان آنها موجب شده بود که همواره در تأثیرپذیری از تحولات ایران باشند و از سوی حکومت عراق نیز مورد سوءظن واقع شوند؛ به طوری که در دوم اسفند ۱۳۴۳ «عبدالزراق محی‌الدین» وزیر وحدت، در هیئت دولت عراق از کردهای فیلی با عنوان «اکراد ایرانی» یاد می‌کند و وجود آنها را مایه مشکلات فراوانی برای دولت عراق ذکر می‌نماید و متذکر می‌شود که عراق را باید از وجود آنها پاک کرد، چرا که با وجود کسب تابعیت عراقی، همچنان ارتباط خود را با ایران قطع نکرده‌اند (تحولات داخلی عراق و امنیت ملی ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۴۱۱).

ج: از مهم‌ترین زمینه‌های اثرگذاری ایران بر کردهای فیلی به سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۵۰ بر می‌گردد که در این سال‌ها رژیم بعث، عده زیادی از کردهای فیلی را به بهانه ایرانی الاصل بودن اخراج نمود (مک داول، ۱۳۸۳: ۵۱۵) و در هر دو مرحله امام خمینی (ره) به شدت نسبت به رفتار خشونت‌بار حکومت عراق با ایرانی تباران ساکن عراق واکنش نشان داد و در سال ۱۳۵۰ در اعتراض به اخراج ایرانیان تصمیم به خروج از عراق گرفت (آقاجانی قناد، ۱۳۸۴: ۱۲۱). همچنین دولت ایران با تأکید و حمایت علما و مراجع، به آنها پناهندگی و تابعیت ایرانی اعطاء نمود. افزون بر این؛ در دوره‌ی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، پناه دادن دولت ایران به اخراج شدگان کرد فیلی و حمایت از آنها از مهم‌ترین زمینه‌های تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر کردهای فیلی بود.

عوامل پخش و تأثیر انقلاب اسلامی بر کردهای فیلی عراق

مبدأ پخش: ایران

مبدأ پخش، مکانی است که خاستگاه نوآوری و صدور پیام‌ها و ارزش‌های جدید است. کشور ایران به عنوان مبدأ پخش افکار و عقاید انقلاب اسلامی، دارای تأثیرات و بازتاب‌های گسترده‌ای در منطقه بود (حسینی و برزگر، ۱۳۹۲: ۱۷۷ و ۱۷۸). کشور عراق در میان کشورهای همسایه با توجه به وجود اماکن مقدسه و اکثریت جمعیت شیعه، نزدیک‌ترین تشابه با ایران دارد. با توجه به اینکه کردهای فیلی در دو سوی مرز ایران و عراق قرار دارند و عده زیادی از آنها طی سال‌های ۱۳۴۸، ۱۳۵۰ و ۱۳۵۹ به ایران اخراج شدند و در استان‌های

مختلف ایران به‌ویژه تهران ساکن شدند، از این رو آنها هم در مبدأ پخش ایران و هم در مقصد پخش عراق حضور داشتند و همین امر تأثیرپذیری آنها از انقلاب اسلامی را تسریع کرد.

مقصد پخش: عراق

مقصد پخش، مکانی است که محتوای پخش به آنجا می‌رسد. انقلاب اسلامی از همان ابتدای شکل‌گیری خود، اهداف، آرمان‌ها و شعارهای جهانی داشت؛ به همین دلیل گستره‌ای وسیع از کشورهای منطقه و جهان را تحت تأثیر قرار داد. عراق از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، مهم‌ترین کشوری بود که به‌عنوان مقصد پخش در اهمیت و اولویت قرار داشت. در ارتباط با مقصد و محیط پخش با توجه به پذیرا و ناپذیرا بودن، محیط بسیار مهم است. منظور از محیط پذیرا، تجانس فکری، فرهنگی، دینی، اجتماعی و اقتصادی است. منظور از محیط ناپذیرا، محیطی است که به دلیل اختلافات و تفاوت‌های عمده با مبدأ پخش، امکان تأثیرپذیری اندکی از مبدأ پخش دارد. در نتیجه عوامل پذیرا موجب ایجاد زمینه‌های مساعد و همگرایی و عوامل ناپذیرا موجب عدم تأثیرپذیری از پیامدهای انقلاب اسلامی و واگرایی از آن می‌شود (جعفری و نیکروش رستمی، ۱۳۹۵: ۸۵).

کشور عراق با توجه به همسایگی و قرابت‌های فرهنگی و مذهبی، وجود حوزه‌های علمیه و اکثریت شیعه و... محیطی پذیرا برای پیام انقلاب اسلامی بود. اما با توجه به بافت قومی و مذهبی کشور عراق، این تأثیرپذیری در بین اقوام قومی و مذهبی مختلف، متفاوت بود، به‌طوری‌که همه قومیت‌های عراق به یک میزان، پذیرای پیام انقلاب اسلامی نبودند. در میان اقوام مختلف عراق، اعراب شیعه به علت هم‌کیشی با ایرانیان و کردهای فیلی به جهت ایرانی تبار بودن و مضافاً شیعه بودن بیشترین تأثیرپذیری را از انقلاب اسلامی داشتند.

زمان پخش

تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی و به‌ویژه کشور عراق، از بدو شکل‌گیری انقلاب اسلامی آغاز شد. پخش و سرایت یک پدیده، از مبدأ پخش به مقصد پخش ممکن است مدت‌ها به طول بی‌انجامد، لذا انقلاب اسلامی از این قاعده مستثنا نبود و تأثیرگذاری آن بر کشورهای اسلامی، یک امر پایدار و دائمی می‌باشد (حسینی و برزگر، ۱۳۹۲: ۱۸۰).

دوره‌های زمانی تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر کشور عراق را می‌توان به چندین دوره تقسیم کرد و این دوره‌های زمانی عبارتند از: اوایل انقلاب تا شروع جنگ تحمیلی، دوره ۸ ساله جنگ، از پایان جنگ تا سقوط صدام و از آن زمان تاکنون. در مطالعه موردی کردهای فیلی، بازتاب انقلاب اسلامی در دوره‌های زمانی مختلف، تأثیرات متفاوتی بر جای گذاشته است. اما در این پژوهش به‌صورت موردی تأثیر انقلاب اسلامی بر کردهای فیلی در اوایل انقلاب و دوره‌ی هشت ساله جنگ مدنظر می‌باشد.

موضوع پخش

موضوع پخش انقلاب اسلامی، طیف متنوع و وسیعی از انواع تأثیرات را تشکیل می‌دهد. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: الهام‌گیری از تاکتیک‌های مبارزاتی انقلاب اسلامی، بیان مطالبات اجرای شریعت اسلامی و احترام به شعائر مذهبی، ایجاد دولت اسلامی، تأسیس سازمان‌های مذهبی و مبارز، ایجاد جامعه اسلامی، هویت‌یابی، تقویت رفتار مذهبی شیعیان، رشد مطالبات سیاسی، نهادسازی، شکل‌گیری تشکل‌ها و احزاب سیاسی، نقش آفرینی شیعیان در ساختار سیاسی کشور و... (جعفری و نیکروش رستمی، ۱۳۹۵: ۸۶).

ابعاد تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر کردهای فیلی عراق

شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی کرد فیلی

برخی از کردهای فیلی تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی برای مبارزه با رژیم بعث و احقاق حقوق خود در جامعه عراق تحت لوای کردهای شمال عراق و اعراب شیعه فعالیت می‌کردند، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و متأثر از افکار و اندیشه‌های انقلاب اسلامی ایران، جنبش‌ها و سازمان‌های اسلامی مستقلی تشکیل دادند و برای احقاق حق خود در چارچوب یک حکومت اسلامی تلاش کردند. از جمله، «جنبش کردهای مسلمان» که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۹ به رهبری حسین فیلی بنیان گذاری شد. این جنبش از سوی نهضت آزادی بخش، مورد حمایت مالی قرار گرفت و در ابتدا بیش از ۴۰۰ عضو مسلح در داخل و خارج از کشور عراق داشت. مطالبه اصلی این جنبش، برقراری رژیم جدید در عراق به شرط پذیرفتن خودمختاری برای منطقه کردستان و از جمله مناطق فیلی نشین عراق بود (قربانی کشکی، ۱۳۷۱: ۲۴۹). «جنبش تجمع اسلامی کردهای فیلی» از دیگر تشکیلات کردهای فیلی بود که در سال ۱۳۶۰ در شهر تهران تأسیس شد. هدف اصلی این تجمع «تأسیس حکومت عدل الهی در کشور عراق» و فعالیت‌های اصلی آن در راستای معرفی مظالم رژیم بعث و حمایت از خانواده‌های آواره کرد فیلی بود (قربانی کشکی، ۱۳۷۱: ۲۵۱ و ۲۵۰). همچنین جنبش مسلمانان کرد فیلی در سال ۱۳۶۲ توسط عبدالجلیل فیلی در شهر ایلام پایه‌گذاری شد. استراتژی بلندمدت این جنبش «برپایی یک حکومت بزرگ فدرال اسلامی» و استراتژی کوتاه مدت آن، سرنگونی رژیم بعث و بازگرداندن حقوق کردهای فیلی به ایشان بود (قربانی کشکی، ۱۳۷۱: ۲۵۶).

انعکاس اصول فکری و اعتقادی انقلاب اسلامی در میان کردهای فیلی

بخش زیادی از محتوای انقلاب اسلامی ایران به‌طور مستقیم در اصول فکری و اعتقادی جنبش‌های اسلامی کردهای فیلی انعکاس یافته است. «جنبش مسلمانان کرد فیلی»، اسلام را به‌عنوان یک خط‌مشی برای پاسخ‌گویی به خواسته‌های انسانی، قومی و مذهبی کردها پذیرفت. همچنین «تأیید و حمایت از حرکت‌های آزادی‌بخش ملت‌های ستم دیده از قبیل فلسطین و...» یکی از خط‌مشی‌های کلی این جنبش بود (قربانی کشکی، ۱۳۷۱: ۲۵۷ و ۲۵۸).

جنبش «تجمع اسلامی کردهای فیلی» خود را «یک تشکیلات اسلامی شیعی ۱۲ امامی» معرفی و تأکید کردند دین اسلام را به‌عنوان یک راه حل کامل برای امور زندگی پذیرفته‌اند. همانا التزام و پایبندی به اسلام، اعتقاد به امام مهدی(عج) و ولایت فقیه از اصول فکری این تجمع بود. همچنین اصول سیاسی، اجتماعی و اخلاقی این تجمع کاملاً متأثر از انقلاب اسلامی ایران می‌باشد. افزون بر این «پایبندی به اصل نه شرقی نه غربی» و «پشتیبانی از مبارزات ملت‌های مسلمان و حرکات‌های آزادی بخش در سطح جهانی مانند قضیه فلسطین، لبنان و افغانستان» از مهم‌ترین اصول سیاسی «تجمع اسلامی کردهای فیلی» هستند (قربانی کشککی، ۱۳۷۱: ۲۵۲ و ۲۵۳).

تجمع اسلامی کردهای فیلی تا سال ۱۳۹۵ فعال‌ترین تشکل سیاسی و مذهبی کردهای فیلی در صحنه سیاسی عراق بودند (عظیمی، ۱۳۹۵: ۲۰۶). به نظر می‌رسد از یک سو پایبندی این جنبش به اصول مبتنی بر مذهب تشیع و از سوی دیگر همخوانی اصول فکری، سیاسی و اجتماعی آنها با انقلاب اسلامی ایران، دلیل ماندگاری و تداوم فعالیت این تجمع باشد.

بازگشت امید در میان مردم عراق

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، جرقه‌های امید را در میان شیعیان عراق زنده نمود. جلال طالبانی رئیس اتحادیه میهنی کردستان، انقلاب اسلامی ایران را باعث بیداری شیعیان و کردهای عراق و مشوق آنها برای مبارزه با رژیم بعث می‌داند و تأکید می‌کند که این انقلاب، مردم را متقاعد کرد که می‌توان طاغوت را سرنگون کرد و این اعتقاد که سرنگون کردن رژیم‌های طاغوتی همانند رژیم شاه و رژیم بعث با وجود داشتن ارتش و ثروت غیر ممکن است را بی‌اعتبار ساخت (روزنامه کیهان، شماره ۱۰۹۹۵: ۹). کردهای فیلی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌ویژه بعد از آغاز جنگ ایران و عراق به «مبارزه‌ای سخت» و گسترده با حکومت عراق پرداختند و در این راستا «بسیاری از آنان به آغوش ایران پناه» جستند (الوردی، ۱۳۹۱، ج ۳: ۶۴۵).

توجه کردهای فیلی به مرجعیت دینی به‌عنوان رهبر سیاسی

با وجود تمام تلاش‌های حکومت بعث برای پراکندگی و دور کردن کردهای فیلی از مرجعیت، آنها در دوران آواره‌گی همچنان ارتباط خود را با مراجع عراق حفظ نمودند. در واقع یکی از علل مهم مورد ظلم و ستم قرار گرفتن کردهای فیلی، ارتباط نزدیک آنها با مرجعیت شیعی عراق بود. کردهای فیلی در دوران فعالیت سید محمدباقر حکیم در مجلس اعلای اسلامی عراق با وی همکاری داشتند و بخشی از نیروهای این مجلس را تشکیل می‌دادند (الوردی، ۱۳۹۱، ج ۳: ۶۴۵). همچنین یکی از اصول سیاسی «تجمع اسلامی کردهای فیلی»، تحکیم روابط دوستانه با روحانیون و علمای پیرو خط امام و شهید صدر بود (قربانی کشککی، ۱۳۷۱: ۲۵۳).

شکل‌گیری تظاهرات گسترده

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مردم عراق چندین تظاهرات گسترده علیه رژیم بعث به راه انداختند و شعارهایی در حمایت از انقلاب اسلامی ایران و اسلام‌گرایان عراق سردادند (دادفر، ۱۳۸۹: ۳۸؛ روزنامه کیهان، شماره ۱۰۸۶۷: ۴). «رژیم بعثی عراق که اعتراضات مردمی عراق را منتج از تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران در آن سرزمین» می‌دانست، بر آن شد «علیه انقلاب ایران دست به توطئه و اقدامات خصمانه» بزند «تا به خیال خود جلوی صدور این انقلاب را سد کند» (روزنامه کیهان، شماره ۱۰۷۲۹: ۱ و ۲). از جمله اولین اقداماتی که حکومت عراق در واکنش به ترویج انقلاب اسلامی در میان جامعه عراق انجام داد، اخراج گسترده ایرانی تباران ساکن عراق بود (داناوان، ۱۳۹۶: ۱۵۳) که کردهای فیلی اکثریت آنها را تشکیل می‌دادند.

مسیر پخش

منظور از مسیر پخش، مجاری است که از طریق آنها امکان سرایت یک پدیده از مبدأ پخش به مقصد پخش فراهم می‌گردد. بر طبق نظریه پخش، هر نوع نوآوری ممکن است از راه یکی از سه طریق: پخش جابجایی، پخش سلسله مراتبی و پخش سرایتی از مبدأ به مقصد منتقل شود.

پخش جابجایی

پخش جابجایی زمانی رخ می‌دهد که افراد یا گروه‌های دارای یک ایده مخصوص به‌طور فیزیکی از مکانی به مکانی دیگر حرکت کنند و به این طریق ابداعات و نوآوری‌ها در سرزمین جدید گسترش یابد (برزرگر، ۱۳۸۲: ۴۲). از آنجا که بخشی از کردهای فیلی اخراج شده در سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۵۰ در استان‌های مختلف ایران به‌ویژه در تهران ساکن شدند و حسینی‌های کردهای فیلی در مسجد آقا محمود واقع در کوچه مروی تشکیل دادند؛ این مسجد در جریان پیروزی انقلاب اسلامی با برگزاری مراسمات مذهبی، راهپیمایی‌ها و استقبال از امام خمینی(ره) ایفای نقش نمود (خبرگزاری کرد پرس، ۹۷/۱۱/۱۸). علاوه بر این، پخش زیادی از کردهای فیلی اخراج شده به ایران، در دوره بعد از انقلاب اسلامی نیز در ایران ساکن شدند. اقامت طولانی مدت کردهای فیلی موجب شد تا بسیاری از نخبگان آنان در دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و مدارس ایران به تحصیل پرداخته و از نزدیک با پیام‌های انقلاب اسلامی آشنا شوند. خانواده سیده‌زهره حسینی، راوی کتاب «دا» نماد تأثیرپذیری کردهای شیعه از انقلاب اسلامی می‌باشد. این خانواده در سال ۱۳۴۷ «به جرم جاسوسی برای ایران» (حسینی، ۱۳۸۹: ۲۳) ناگزیر به ترک عراق و بازگشت به ایران شدند (حسینی، ۱۳۸۹: ۳۳). پدر و برادر بزرگ خانم حسینی با اوج‌گیری مبارزات انقلابی به صف انقلابیون پیوستند (حسینی، ۱۳۸۹: ۵۷-۵۶) و با آغاز جنگ ایران و عراق با حضور در صف مقدم جنگ در همان روزهای آغازین به شهادت رسیدند (حسینی، ۱۳۸۹: ۷۸۴).

کردهای فیلی اخراج شده به شیوه‌های گوناگونی به مبارزه علیه رژیم بعث پرداختند. جمعی از آنها با عضویت در سپاه بدر در جنگ ایران و عراق شرکت کردند. برخی با ایجاد تشکل‌های سیاسی - تبلیغی به

مبارزه علیه رژیم بعث پرداختند (روزنامه کیهان، شماره ۱۴۴۴۶: ۱۲) عده‌ای نیز با حضور در حوزه‌های علمیه، ضمن تحصیل علوم دینی به ترویج معارف دینی در میان کردهای فیلی حاضر در ایران پرداختند. برخی نیز به صورت مستقیم با عضویت در سپاه و بسیج در جنگ شرکت کردند (خبرگزاری کرد پرس، ۱۳۹۷/۲/۲۴).

پخش سرایتی

در این نوع پخش، گسترش عمومی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن سلسله مراتب صورت می‌گیرد و تسری موضوعات پخش به نزدیک‌ترین اقشار، افراد و مناطقی است که در مجاورت تغییر نوآوری قرار دارند. به عبارت دیگر، «اثر همسایگی» در پخش سرایتی، عامل کلیدی تلقی می‌شود (کامران، ۱۳۹۲: ۷۶). داشتن مرز مشترک ایران و عراق عامل مهمی در پخش سرایتی پیام‌های انقلاب اسلامی بود. همچنین این نوع پخش، بیشتر در بین افراد دارای اشتراکات مذهبی و فرهنگی قابل مشاهده است (جعفری و نیکروش رستمی، ۱۳۹۵: ۸۸). تمرکز قابل توجهی از جمعیت کردهای فیلی در پایتخت‌های دو کشور و سکونت جمعیت عمده‌ی آنها در نوار مرزی ایران و عراق از یک سو و تعاملات و ارتباطات گسترده آنها با هم تبارانشان در ایران از سوی دیگر باعث شده بود که آنها دسترسی سریع و آسانی به افکار و عقاید انقلاب اسلامی داشته باشند و همین عوامل موجب گردید که آنها بیش از هر گروه قومی دیگری در عراق با تحولات ایران آشنا شوند.

در مورد پخش عقاید انقلابی در عراق به شیوه سرایتی می‌توان به نقش رادیو و تلویزیون، انتشار اعلامیه‌ها، توزیع کتب مذهبی حاوی پیام‌های امام خمینی(ره) و برگزاری تظاهرات عمومی اشاره نمود (جعفری و نیکروش رستمی، ۱۳۹۵: ۸۸). در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی، برخی از کردهای فیلی به دلیل پخش تصاویر و نوارهای سخنرانی امام خمینی(ره)، از سوی حکومت بعث دستگیر و محکوم به اعدام شدند (مصاحبه با قدیر واسطی، ۹۷/۵/۳۰). «خلود جلیل ابراهیم» از کردهای فیلی ساکن بغداد که در سال ۱۳۶۰ به همراه خانواده‌اش به ایران رانده شد، متذکر می‌شود که در سال ۱۳۶۰ به علت محدودیت رژیم بعث برای برگزاری عزاداری امام حسین(ع)، به برنامه‌ی «مقتل امام حسین(ع) که از رادیو تهران پخش می‌شد گوش می‌کردند و تأثیر می‌پذیرفتند. همچنین وی در کتاب خاطراتش از علاقه پدرش به امام خمینی(ره) خبر می‌دهد و اینکه پدرش همیشه از طریق رادیو ایران، مسائل ایران را دنبال می‌کردند (جلیل ابراهیم، ۱۳۹۳: ۲۲).

پخش سلسله مراتبی

در این نوع پخش، پدیده‌ها و نوآوری‌ها در قالب سلسله مراتب و از طریق توالی منظم دسته‌ها و طبقات، انتقال و گسترش می‌یابد و ایده‌ها از یک فرد مهم به فرد دیگر یا از مرکز شهری مهم به مرکز دیگری گسترش می‌یابد (برزگر، ۱۳۸۲: ۴۳)؛ بنابراین نوآوری‌ها ابتدا در طبقات بالای اجتماع و سپس در طبقات

پایین تر منتشر می‌شود. در مورد پخش عقاید انقلابی در عراق به شیوه سلسله مراتبی، می‌توان به نقش احزاب، مساجد، روحانیون و مراجع مذهبی، حوزه‌های علمیه و در جوامع قبیله‌ای به نقش سلسله مراتب در عشیره‌ها و طوایف اشاره نمود (جعفری و نیکروش رستمی، ۱۳۸۲: ۸۹).

برخی از یاران امام خمینی(ره) از جمله آیت الله حیدری که یکی از رهبران مبارز علیه رژیم پهلوی در استان ایلام بود، تا قبل از اخراجشان از عراق در سال ۱۳۵۰ به امورات مذهبی کردهای فیلی ساکن بغداد، رسیدگی می‌کرد. وی مهمترین روحانی کرد فیلی طرفدار امام خمینی(ره) می‌باشد که هم در میان کردهای فیلی عراق و هم در میان اهالی ایلام دارای نفوذ و جایگاه رهبری بود. آیت الله حیدری ایلامی در سال‌های اقامت در نجف اشرف به دعوت کردهای فیلی بغداد و به نمایندگی از مراجع عظام در سال ۱۳۴۹ ش راهی این شهر شد و در حسینیه ابوسفین واقع در خیابان الکفاح به اقامه نماز، تبلیغ معارف دینی و ارشاد مردم پرداخت. به سبب نفوذ معنوی و اعتماد مردم، ایشان به حل اختلافات کردهای فیلی در محلات باب شیخ، شورجه، الثوره، جمیله و جمهوری نیز می‌پرداخت. همکاری نزدیک آیت الله حیدری با هیئت‌های مذهبی حسینیه ابوسفین، حسینیه کردهای فیلی در منطقه باب‌الشیخ بغداد و مشارکت وی در برنامه‌ریزی مذهبی، موجب شد تا همواره از سوی دستگاه‌های امنیتی حزب بعث، احضار و مورد آزار و اذیت قرار گیرد. از این رو به دنبال فعالیت‌های گسترده آیت الله حیدری در بغداد، سرانجام وی در تاریخ پنجم دی ماه ۱۳۵۰ ش از سوی دستگاه امنیتی عراق دستگیر و به کشور ایران اخراج گردید (یاران امام به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۱: ۲۱).

نقش حوزه علمیه و مراجع مذهبی در پخش عقاید انقلابی به شیوه سلسله مراتبی در عراق حائز اهمیت است، زیرا مراجع مذهبی مقلدانی دارند که گرایش مرجع به انقلاب اسلامی منجر به گرایش این مقلدان به انقلاب می‌گردد (جعفری و نیکروش رستمی، ۱۳۸۲: ۸۹). کردهای فیلی به‌عنوان بخشی از جامعه شیعه عراق در جریان انقلاب، تأثیرپذیری فراوانی از نخبگان حوزوی و مراجع مذهبی داشتند. حمایت مراجع و علمای بزرگی همچون آیت الله محسن حکیم، آیت الله شهید صدر، سید محمد باقر حکیم، عبدالعزیز حکیم، آیت الله حیدری، شیخ سعید نعمانی و... از انقلاب اسلامی و پیروی کردهای فیلی از ایشان را می‌توان در قالب پخش سلسله مراتبی بررسی کرد. عمار حکیم «رئیس مجلس اعلای اسلامی عراق»، مبارزه کردهای فیلی با رژیم دیکتاتوری صدام و نیز روابط خوب آنها با مرجعیت شیعی عراق را به‌عنوان دو عامل مهم از دلایل مورد ظلم و ستم قرار گرفتن کردهای فیلی در دوره رژیم بعث اشاره نموده است (خبرگزاری کرد پرس، کد مطلب ۴۲۴۶۲).

موانع پخش

منظور از موانع پخش، آن دسته از عواملی هستند که مانع از سرایت یک پدیده از مبدأ پخش به مقصد پخش می‌شوند و یا آنکه سرایت آن پدیده را با مشکل مواجه می‌سازند. از آنجا که شیعیان کشور عراق بیش از دیگر گروه‌ها از وقوع انقلاب اسلامی تأثیر گرفتند و بر شدت مبارزات خود بر علیه نظام بعث افزودند؛ از

این رو سران رژیم بعث از تداوم سرایت اندیشه انقلاب اسلامی در میان جامعه عراق به وحشت افتادند و برای مهار تأثیرگذاری انقلاب بر جامعه عراق هم در مناسبات خود با ایران واکنش‌های منفی نشان دادند و هم به‌طور بی‌سابقه‌ای، فشارهایی علیه شیعیان عراق به‌ویژه کردهای فیلی اعمال نمودند. پس از سال ۱۳۵۷، دولت عراق با توجه به ایرانی تبار بودن کردهای شیعه و دیدن واکنش آنها در طرفداری از دولت ایران در هنگام بروز تنش میان دو کشور، همچنین طرفداری و هم‌سوئی بخش عمده‌ای از کردهای فیلی با انقلاب اسلامی ایران و احزاب شیعه عراق، موجب شد (الوردی، ج ۳، ۱۳۸۹: ۶۴۵) که حزب بعث در مواجهه با آنها سیاست‌های خشن و منفی قومی را در پیش بگیرد؛ در این راستا مصوبه ۶۶۶ سال ۱۹۸۰م «شورای فرماندهی انقلاب عراق» کردهای فیلی را به‌عنوان بخشی از پروژه‌های احتمالی جاسوسی، خیانت و مزدوری معرفی می‌کرد و این موضوع آنان را بیش از پیش در معرض مصادره‌ی اموال، سلب تابعیت، مهاجرت و بازداشت قرار داد (الحمود، ۱۳۹۷: ۱۷۴). بر اساس این مصوبه، مهم‌ترین سیاست‌هایی که حزب بعث برای مقابله با تأثیرپذیری کردهای فیلی از انقلاب اسلامی ایران در پیش گرفت عبارت بودند از:

تغییر بافت قومی - مذهبی

دولت عراق به منظور کنترل فعالیت‌های اسلام‌گرایان، اقدام به ایجاد تغییراتی در ترکیب مذهبی - قومی برخی مناطق عراق نمود. بنابراین اخراج کردهای فیلی، اعراب شیعه و کردهای سنی عراق، نیمی از راهبرد تغییر بافت قومی - مذهبی عراق بود؛ نیمی دیگر از این راهبرد، جایگزین کردن عرب‌های سنی مذهب دیگر کشورها بجای آنها بود (عسکری، ۱۳۸۲: ۱۴۴). به‌طور کلی مناطق فیلی نشین به‌ویژه دو منطقه خانقین و مندلی در دوره حزب بعث به کانون‌های اصلی برنامه عربی کردن حکومت تبدیل شدند (انتصار، ۱۳۹۰: ۱۵۱).

سلب تابعیت

یکی از دیرپاترین مشکلاتی که متأثر از انقلاب اسلامی برای کردهای فیلی به‌وجود آمد، سلب تابعیت بسیاری از آنها از سوی حزب بعث به بهانه ایرانی تبار بودن بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، فعالیت برخی از کردهای فیلی در جهت حمایت از آرمان‌های انقلاب در عراق، موجب شد که رژیم بعث آنها را خائن و مستحق سلب تابعیت، مصادره اموال، اخراج و کشتار بداند. از این رو، حزب بعث با استفاده از قانون تابعیت (اصلاحیه سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۷۷ و ۱۹۷۲)، ملیت عراقی بسیاری از کردهای فیلی را نفی کرد و اظهار داشت که آنها دارای ریشه ایرانی هستند (نکاست، ۱۳۷۸: ۱۱۵). آمار دقیقی در مورد تعداد افراد سلب تابعیت شده کردهای فیلی وجود ندارد. الحمود، تعداد کردهای فیلی سلب تابعیت شده را نیم میلیون نفر برآورد کرده است (الحمود، ۱۳۹۷: ۱۷۴). بسیاری از کردهای فیلی که پس از سلب تابعیت به ایران اخراج شدند تاکنون موفق به تعیین تکلیف تابعیت خود در دو کشور ایران و عراق نشده‌اند و همچنان فاقد تابعیت هستند.

محدود کردن نفوذ اقتصادی کردهای فیلی

از جمله اقداماتی که رژیم بعث برای مقابله با نفوذ انقلاب اسلامی انجام داد، به کنترل درآوردن بازار و اقتصاد عراق بود. به نظر می‌رسد رژیم بعث از ترس الگوبرداری بازار عراق از نقش بازاریان و بازار ایران در انقلاب اسلامی به چنین اقدامی مبادرت ورزید؛ با این اوصاف که «بازار اصلی بغداد با نام شورجه در دست [تجار] کردهای فیلی [بود]» (کشککی، ۱۳۷۱: ۲۳۸؛ شیرکوه، ۲۰۱۷: ۲۸۷) و رژیم بعث معتقد بود که آنها از ایران وارد عراق شده‌اند و به وسیله ایران قوت گرفته و نبض بازار عراق و مخصوصاً بازار شورجه را به دست گرفته‌اند و ضمن بازی با قیمت‌ها به نفع ایران، به کمک مالی حزب الدعوه نیز مبادرت می‌ورزیدند (کشککی، ۱۳۷۱: ۱۶۰). از آنجا که تجار کرد فیلی همواره با مراجع و علمای دینی در ارتباط بودند و وجوه شرعی خود را به آنها پرداخت می‌کردند، همین امر موجب کینه دائمی رژیم بعث از تاجران کرد فیلی بود (الفیلی، ۲۰۱۲: ۲۰۶؛ الطریحی، ۱۴۳۴ق: ۵۴۹). جویسان. ویلی، ضمن تأکید بر اینکه تاجران بازار ایران، بخشی از ائتلافی بودند که انقلاب اسلامی را در ایران به ثمر رساند؛ در مورد رابطه بین بازاریان شیعه با مراجع عراق می‌نویسد: «معروف است که تاجران شیعه در [بازار بزرگ] شورجه بغداد از حامیان مالی مراجع تقلید بوده‌اند و احتمالاً همین امر، تبعید عجولانه آنها توسط دولت بعث در سال ۱۹۸۰ را توضیح می‌دهد» (ویلی، ۱۳۷۳: ۱۳۳) و روشن‌تر این که حکومت عراق در تاریخ ۷ آوریل ۱۹۸۰ عده زیادی از تجار کرد فیلی را پس از ضبط اسناد و مدارک و مصادره اموالشان به ایران اخراج کرد (روزنامه کیهان، شماره ۱۰۹۹۶: ۱۲). العلوی، تعداد تاجران کرد فیلی اخراج شده را «در حدود پانصد نفر» تخمین زده است (العلوی، ۲۰۱۰: ۴۸۸). هرچند بعد از سقوط رژیم بعث، اقداماتی برای جبران خسارات مالی کردهای فیلی و تجار آنها صورت گرفت؛ اما بخشی از آنها تاکنون نتوانسته‌اند اموال و املاکشان را پس بگیرند.

لازم به توضیح است که تا قبل از این اقدام، کردهای فیلی طی یک دوره‌ی یکصد و پنجاه ساله‌ی حضور گسترده در بغداد و دیگر شهرهای بزرگ عراق، توانسته بودند بخش عمده‌ای از نیروی کار، بازار و تجارت عراق را به خود اختصاص دهند. در نهایت رژیم بعث با مصادره اموال و اخراج گسترده کردهای فیلی و تجار آنها در سال ۱۳۵۹ به حیات و حضور گسترده آنها پایان داد.

جنگ ایران و عراق و تأثیر آن بر کردهای فیلی

وقوع انقلاب اسلامی با ایجاد روندی خاص از تحولات، به جنگ ایران و عراق منتهی شد. این جنگ نه تنها تداوم تأثیرپذیری کردهای فیلی را از انقلاب اسلامی محدود کرد، بلکه باعث شد رژیم بعث به حساسیت بیشتری با کردهای فیلی به عنوان تبعه کشور دشمن، برخورد کند. در خلال جنگ نیز مصادره اموال، اخراج و دستگیری جوانان کرد فیلی تداوم داشت. خلود جلیل ابراهیم در کتاب خاطراتش از تأثیر جنگ بر وضعیت کردهای فیلی چنین آورده است: «شروع جنگ ایران و عراق برای کردهای فیلی خبر شومی بود. آنها بیشترین بها را در این جنگ پرداختند. نه تنها مایملک خود را از دست دادند، بلکه حکومت بعث، هنگام رانده شدن خانواده‌ها، پسران و مردها را بازداشت می‌کرد و تنها بهانه‌اش این بود که اگر آنها به ایران بروند، چون بزرگ شده بغداد و عراق هستند، حتماً علیه ما خواهند جنگید، پس برای حکومت بعث خطرناک خواهند

شد» (جلیل ابراهیم، ۱۳۹۳: ۲۲). از دیگر تأثیرات جنگ ایران و عراق بر روی کردهای فیلی تخلیه آنها از محل سکونتشان در نزدیکی مرزهای ایران و عراق بود. رژیم بعث در مردادماه ۱۳۵۹ کردهای شیعه را از نوار مرزی حدفاصل خانقین تا مندلی و زرباطیه را تخلیه کردند (روزنامه کیهان، شماره ۱۱۰۶۷: ۲).

ایجاد محدودیت‌های فرهنگی

رژیم بعث برای مقابله با نفوذ انقلاب اسلامی در عراق، جو فشار و خفقان را علیه مردم عراق به‌ویژه شیعیان تشدید کرد و به پاکسازی ادارات، دانشگاه‌ها و ارتش پرداخت و تنها اعضای حزب بعث حق ورود به دانشکده‌های نظامی و علوم انسانی را داشتند (روزنامه کیهان، شماره ۱۱۰۵۷: ۱). در این میان برخی از کردهای فیلی از محیط کار و دانشگاه‌ها اخراج شدند و حتی برخی از دانشجویان کرد فیلی و ایرانی‌تبار را در محیط دانشگاه دستگیر کردند (جلیل ابراهیم، ۱۳۹۳: ۴۳). افزون بر این بعضی‌ها مانع از ورود نشریات و اعلامیه‌های مربوط به انقلاب اسلامی به کشور عراق شدند (روزنامه کیهان، شماره ۱۱۰۷۵: ۴).

دولت صدام به‌عنوان بخشی از برنامه «عربی‌سازی» تلاش کرد تا غیر اعراب را از طریق ممانعت از سخن گفتن به زبان مادری خویش در مجامع عمومی، ممانعت از تحصیل به زبان خود و همچنین با اعمال فشار بر آنها، جهت انتخاب نام‌های عربی و معرفی خویش به‌عنوان عرب در ادارات دولتی، جذب و ادغام کنند (حاجی یوسفی، ۱۳۸۶: ۲۷). از این رو بسیاری از کردهای فیلی «از ترس دولت بعثی، خود را عرب معرفی کرده و حتی تشیع خود را پنهان می‌کردند» (جعفریان، ۱۳۸۶: ۲۷). همچنین حاکمان عراق از اطلاق واژه مجوس برای تحقیر ایرانی‌تباران و کردهای فیلی استفاده می‌کردند و با این واژه آنها را غیر مسلمان و غیر عرب معرفی می‌کردند و وجود آنها را برای جامعه عراق خطرناک جلوه می‌دادند.

سرکوب نیروهای انقلابی و اسلامی

کنترل اماکن مذهبی، محدود کردن فعالیت روحانیون شیعه، اعدام، ترور و زندانی کردن نیروهای مبارز و انقلابی و تفتیش عقاید از دیگر اقدامات حکومت عراق برای مقابله با اشاعه انقلاب اسلامی در میان مردم عراق بود (روزنامه کیهان، شماره ۱۰۹۶۴: ۸). جویس ان. ویلی، اخراج ایرانی‌تباران و کردهای فیلی مقیم عراق را به‌عنوان یکی از اقدامات رژیم بعث برای محدود کردن فعالیت اسلام‌گرایان معرفی می‌کند (ویلی، ۱۳۷۳: ۱۵۵). العلوی، نام برخی از شهدای کرد فیلی که از رهبران سازمان عمل اسلامی عراق بوده‌اند، آورده است (العلوی، ۲۰۱۰: ۴۹۶).

نسل‌کشی

رژیم بعث در هنگام اخراج کردهای شیعه از عراق، ابتدا عده‌ی زیادی از جوانانشان را زندانی کردند، سپس اموال آنها را ضبط و در مرزهای ایران رها کردند (روزنامه کیهان، شماره ۱۰۹۸۹: ۵). کردهای فیلی مدعی هستند که «حدود ۷۰ هزار خانوار» از آنها به ایران رانده شدند و بیش از ۲۲ هزار نفر از جوانانشان توسط رژیم بعث قتل و عام شدند (خبرگزاری ایرنا، ۹۶/۱۲/۲۲، کدخبر ۸۲۸۶۰۵۳۰). عبدالجلیل فیلی از فعالان مدنی کُرد، تعداد اخراج شدگان کرد فیلی در سال ۱۳۵۹ را ۱۲۰ هزار نفر ذکر می‌نماید (قربانی کشکی،

۱۳۷۱: ۲۳۸). طبق آماری در سال ۲۰۰۳م از جمعیت دویست هزار نفری اتباع عراق در ایران، ۶۵ درصد آنان، کردهای فیلی بوده‌اند (عظیمی، ۱۳۹۵: ۲۰۵).

«علی‌طاهرالحمود»، تعداد مفقودان کرد فیلی را ۱۵۰۰۰ هزار (الحمود، ۱۳۹۷: ۱۷۴) و «العلوی»، این تعداد را ۱۶۰۰۰ هزار نفر ذکر کرده‌اند (العلوی، ۲۰۱۰: ۴۸۹) و هنوز معلوم نشده است که آن جوانان زندانی چه سرنوشتی پیدا کردند و در کجا دفن شده‌اند. از این رو در تیرماه ۱۳۹۰ «جمعیت کردهای فیلی عراق» بیانیه‌ای را صادر و عنوان کردند: «این جمعیت ده میلیون دینار را به‌عنوان هدیه به هر شخصی که اطلاعاتی در مورد مکان، نام شهیدان و مفقودالائثران کرد فیلی ارائه دهد، اعطا خواهد نمود» (خبرگزاری کرد پرس، کد مطلب ۱۰۶۷۷).

در ۸ آذر ۱۳۸۹ «دادگاه عالی عراق»، اخراج و کشتار کردهای فیلی را نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت خواند و علیه آن حکم صادر کرد. همچنین در روز ۱۰/۰۵/۱۳۹۰ «مجلس ملی عراق» با اکثریت آرا با استناد به رأی «محکمه عالی جنایی عراق فدرال»، طرح کشتار کردهای فیلی، توسط صدام را به‌عنوان «ژینوساید» تصویب و آن را نسل‌کشی تلقی کرد (خبرگزاری کرد پرس، کد مطلب ۱۱۶۲۴). افزون بر این در دیپاچه پیش‌نویس قانون اساسی عراق، نام کردهای فیلی در کنار نام اقوام و گروه‌های آسیب دیده از نظام بعث گنجانده شده است (احمدی، ۱۳۸۲: ۳۱).

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران با برخورداری از دیدگاه فرامرزی خود، کشورها و ملت‌های فراوانی را تحت تأثیر قرار داد و در این میان بیشترین تأثیر را بر جمعیت‌های شیعی منطقه داشته است. در این مقاله با استفاده از نظریه پخش یا اشاعه، به بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر کردهای فیلی کشور عراق پرداخته شده است. اخراج شدن عده زیادی از کردهای فیلی در دوره‌ی قبل و بعد از انقلاب اسلامی و اسکان آنها در استان‌های مختلف ایران، هم مرز بودن مناطق فیلی نشین عراق با ایران و پیروی کردهای فیلی از علما و مراجع طرفدار انقلاب اسلامی، موجب شد که کردهای فیلی به سه طریق: پخش جابجایی، سرایتی و سلسله مراتبی از انقلاب اسلامی ایران تأثیر پذیرند. از سوی دیگر اشتراکات تاریخی، فرهنگی، نژادی، زبانی و مذهبی میان کردهای فیلی و ملت ایران، موجب تشدید و تسریع این تأثیرپذیری شد. اما وجود اشتراکات مذکور میان کردهای فیلی و ملت ایران از یک سو و تابعیت ایرانی داشتن بسیاری از کردهای فیلی از سوی دیگر باعث گردید که رژیم بعث، آنها را به‌عنوان یک قوم ایرانی تلقی کند و از تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر آنها واهمه داشته باشد.

به‌طور کلی وقوع انقلاب اسلامی و بازتاب آن در عراق به نقطه عطفی در حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کردهای فیلی تبدیل شد. تأثیر انقلاب اسلامی بر کردهای فیلی به شکل‌های گوناگونی نظیر: خودآگاهی، هویت‌جویی، رشد مطالبات سیاسی، نهادسازی و شکل‌گیری تشکل‌های سیاسی و مذهبی و مبارزه با دیکتاتوری حکومت بعث بروز پیدا کرد. حکومت عراق از ترس تداوم تأثیرپذیری کردهای فیلی از

انقلاب اسلامی و اقدام عملی آنها در راستای منافع ایران، اقدام به سلب تابعیت، مصادره اموال، به اسارت گرفتن جوانان و کشتار آنها، تعریب مناطق فیلی نشین و اخراج گسترده آنها به ایران نمود. این اقدامات موجب شد جمعیت زیادی از کردهای فیلی در ایران و عراق پراکنده شوند و به نقش گسترده آنها در بازار کار و اقتصاد عراق خاتمه داده شود. رژیم بعث با این اقدامات در صدد بود به موجودیت کردهای فیلی در جامعه عراق پایان دهد.

پس از سقوط رژیم بعث، کردهای شمال عراق به واسطه جغرافیای زیست و شیعه بودن کردهای فیلی و اعراب شیعه نیز بواسطه ایرانی بودن آنها، هیچ‌گاه روی خوشی به این جمعیت نشان نداده‌اند؛ همچنین دولت عراق تاکنون نتوانسته است قوانین تسهیل‌کننده‌ای را برای بازپس‌گیری اموال مصادره شده و کسب تابعیت دوباره کردهای فیلی وضع نماید، در نتیجه آنها همچنان در جامعه عراق با تبعیض و محرومیت مواجه هستند.

Reference

- Aghajani Ghanad, A., (1384), *Iranian exile from Iraq*, Tehran, Islamic Revolution Document Center.
- Ahmadi, F., & Ghazvini Y., (2003), *Iraqs compiling Constitutional law process. Politics, college of Law and political sciences*, vol. 40, No. 2, 19-38.
- Al-Alawi, H., (2011), *Shiite and the government in Iraq*, (Translator Ibrahim, Mohammad Nabi, Tehran, Sore Mehr.
- Al-feyli Al-alave, Z.J., (2010), *Feylies Kurds history and its futures*. Lebanon, Beirut, Al-Balagh institute.
- Al-Feyli, A.N., (2012), *historical authenticity of Alfeyliyon and its changing citizenship*. Iraq, Erbil, Dar Aras publication.
- Al-Hamud, A.T., (2018), *balzing embers of government: Shiite government building experience in post - Saddam Iraq*, (the translation of Sayyid Hussain) Esfahan, Arma.
- Al-Tarihi, M.S., (2013), *Shia'at Kurds- Feylies Kurds*. Damascus, Neinava Pub.
- Alverdi, A., (2008), *Iraq History- social glimpses from the contemporary history of Iraq*, Volume 3. (Translator: Dr. Hadi Ansari). Tehran, International publishing company.
- Asgari, M., (2003), *Islamic revolution reflections in Iraq*. Quarterly of middle east studies. No. 36, 123-152.
- Azimi, K (1980), *history of Tashayyu in kurdistan: analysis of contexts and trends of shia development among kurds*. qom, Research Institute of Hawzah and University.
- Barzegar, E., (2003), *Defusion Theory and reflection of Islamic revolution. Public law research*. No: 8, 39-72.
- Dehghani Firoozabadi, S. J., (2011), *revolutionary patterns of revolution in foreign policy of the islamic republic of iran*, tehran

- Entessar, N. (2009), *Kurdish politics in the Middle East*. Lexington Books. (Translator: Erfan Ghaneii Rad), Tehran, Nashr-e-Elm.
- Ettelaat. News cods: 16103, 16108, 16129, 16109.
- Farzandi lordgani, A., (2013), *An introduction to revolution export strategy from Imam Khomeini perspective*. Quarterly of Islamic revolution researches. Issue 2, No. 4, 199-226.
- Fazelinia, N., (2009), *Tashayyu ideology, Islamic revolution and Islamic awareness*. Panzdah-e-khordad journal. Issue 3, Vol. 5, No. 19, 35-66.
- Gadir Vaseti, an cultural activist from Kut (a city in eastern Iraq). Date: 21/08/2018.
- Ghorbani kashkaki, M., (1992), *Islamic movement in Iraq from 1958 to 1988 (M.A. thesis)*. Supervisor: Abdolsaheb Yadegari. University of Emam Sadegh.
- Hafeznia, M., & Ahmadi, S.A., (2009), *geopolitical explanation of Islamic revolution effects on Saudi Arabia*. Shia studies, Y., 7, No. 25, 73-110.
- Haji yousofi, A. & Soltani nezhad, A., (2007), *the political settlement in new Iraq, tehran, ministry of foreign affairs, center for publications*.
- Heydari-Illami, A., (2010), *Emam's Fellows based on SAVAK documents: 45th book*. Tehran: center for historical Documents Study, ministry of Intelligence.
- Hoseini, A., (2010), *Daa (Mother): The memories of Syeda Zahra Hoseini, Tehran, Sore Mehr*.
- Irna news agency. (13/03/2018), Iran has a good relationship with all of Iraq religions and ethnicities. www.irna.ir/news/82860530/ (in persian)
- Ja'farian, R., (2007), *Tashayyu in Iraq, Marjaeyat (religious Authority) and Iran*, Tehran, institute for iranian contemporary historical studies.
- Jafari, A.A., Nikraveshtostami, M., (2016), *Reflections and patterns of Exporting the Islamic Revolution in west Asian countreis; case study of Iraq*. Islamic revolution studies. Spring, No. 44, 81-102.
- Jalil Ibrahim, K., (1393), *the expatriates: the Memories of Khalud Ibrahim*, Tehran, Sore Mehr.
- Jerome, D., (2010), *the Iran - Iraq War, antecedents and conflict escalatio*, (translation of Hamid Reza DJavidzadeh) Tehran, Marzboom publication.
- Kamran, H., et al. (2013), *Iran's revolution impacts on Pakistani Shia'as base on diffusion theory*. Iran geography journal, Issue 11, No. 3, 71-96.
- Keyhan. news cods: 10989, 10995, 10867, 10729, 10964, 14446.
- Khajeh sarvi, GH., & Rahmati, M., (2013), *Islamic revolution f Iran and political discourse of Shia in Iraq*. Periodical of Islmic revolution. No. 3, 29-58.
- KHani Arani, E. & Barzegar, E., (2011), *Reflection of Islamic revolution in western Europe*. Islamic Revolution Journal, Vol. 8, No. 26, 125-152.
- Khoramshad, M.B. & et al., (2011), *the reflections of the Islamic revolution*. Tehran, SAMT publications.
- Kormanj, Sh. (2017), *Clashes of nationalists and religious followers in Iraq*. Iraq, Kurdistan, Sulaymaniyah, Sardam publication.
- Kuhestani nezhad, M., (2004), *Iran-Iraq relations on first half of twenty century*. Quarterly of foreign affairs history. No. 19, 5-40.
- Kurd press (07/02/2019). Kurdpress report on oldest Kurdish mosque in Tehran. <http://www.kurdpress.com/details.aspx?id=60779> , 11624, 10677, 14547, 11603, 42462

- MacDavel, David (2004), *contemporary history of Kurds*, (translator: Ebrahim Younesi) Tehran, Paniz publication.
- Moradi moghadam, M., (2006), *Political and social history of Poshtkoohs in period of Feyli wardens*. National studies quarterly, issue 7, No 1, 71-96.
- Mostofi, M.H., (1974), *Financial and martial statistics in the 1741 or the explanations of the triumph armies of King Hussein of Safavid*. (ed. Mohammad taghi Danesh pazhooh) Farhang-e-Iran Zamin Journal, No. 20, 396-421.
- Nakast, E., (1999) *the Shiites in the modern Arab world*, Volume 2, (translator: Arsalan Ghorbai Sheykh neshin), Tehran, University of Imam Sadeq, Institute for cultural and social studies.
- Office of documents and history of diplomacy in Ministry of foreign affairs (ASTADOKH). Document No. 1245-24-2/6-35
- The center for historical documents study (2003) *internal developments in Iraq and the Iran national security according to documents of SAVAK. ministry of Intelligence*, tehran,
- Willey, J., A., (1992), *the Islamic Movement of Iraqi Shi'As*. (Translator: Mahvash Gholami). Tehran, Ettela'at publication.